

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی مشرف
۲۴ سپتمبر ۲۰۲۱

پوتین در مورد آینده افغانستان و آینده منطقه



هفته گذشته فوروم اقتصادی شرق در ولادیوستوک برگزار شد. در این فوروم نظر رئیس‌جمهور روسیه در مورد وضعیت افغانستان پرسیده شد.

س : اکنون می‌رسیم به موضوع دیگری از شرق دور که من برای خاتمه بحث امروز نگاه داشته بودم و اکنون می‌خواهم قسمت آخر مصاحبه خود را به این بخش اختصاص دهم که اینجا و آنجا به آن اشاره شد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. طبیعتاً این بخش مربوط است به افغانستان و پی‌آمدهای آن.

آقای رئیس‌جمهور شما در ابتداء گفتید که «نمی‌خواهید زیاد مته به خشخاش بگذارید.» دیگران به جای شما مته به خشخاش گذاشته اند. منظور من نظرهای مختلف از روسیه نیست. من از عنوان روزنامه لندنی دیلی تلگراف در مورد پایان سرکردگی غرب تعجب کردم. خوب البته این مقاله که هفته گذشته از طرف دوستانم در مرکز سیاست‌های خارجی به من ارسال شده بود و در آن آمده بود که ایالات متحده آمریکا به یک کشور معمولی تبدیل خواهد شد، بسیار شگفت زده شدم و معمولی به این معنا که آمریکا از نقش خود به عنوان «پولیس جهان» دست می‌کشد، منظور آن‌ها این بود.

جناب رئیس‌جمهور، اگر آمریکا نقش «پولیس جهانی» را به کنار گذارد، چه کسی این مسؤولیت را به عهده خواهد گرفت؟

پوتین: مسؤولیت حفاظت از نظم جهانی باید به عهده ملل متحد و شورای امنیت ملل متحد، از جمله ۵ کشور عضو دایمی آن باشد. ولی شما می‌دانید اکنون زمان بسیار مناسبی است تا آن‌چه را که در افغانستان رخ می‌دهد زیر ذره‌بین قرار دهیم. باید حقیقت را گفت. این یک فاجعه است. این حرف من نیست، بلکه سخنان تحلیلگران آمریکائی است. این

یک فاجعه است، زیرا امریکائی‌ها که در واقع بسیار عمل‌گرا هستند در طی این چند سال بیش از ۱,۵ تریلیون دالر برای این کارزار هزینه کردند. نتیجه آن چه بود؟ صفر.

و وقتی که به تعداد افرادی که در افغانستان به امان خدا رها شدند بنگریم که برای کلکتیو غرب یعنی برای ایالات متحده و هم‌پیمانانش کار کرده بودند، آن‌هم یک فاجعه انسانی است.

از این‌رو امیدوارم که این درک غالب شود که ادامه رفتار و حفظ مواضع قبلی، سیاست اشتباهی است. مواضع کنونی تا به حال این بود که باید ملل دیگر را «متمدن» کرد و عناصر تمدن مدرن را به آن‌ها ارزانی داشت، آن‌هم با نمونه‌برداری از آن‌چه که آن‌ها صلاح می‌دانند.

می‌دانید در رابطه با افغانستان از بسیاری از همکاران خود شنیدم: «آری، این اشتباه است. ما خطا کردیم. ما باید در آینده دیگر چنین کاری را نکنیم.» ولی آن‌ها از دوران به اصطلاح ارشادگری به وسیله راهبان مسیحی با این کارها مشغولند، که به کشورهای آسیائی و مثلاً به چین رفتند و مردم آنجا را «متمدن» کردند به این‌صورت که از برخی از دست‌آوردهای خود در بخش‌های علم و دانش و فرهنگ و پزشکی استفاده کردند ولی هدف اصلی آن‌ها این نبود. هدف اصلی آن‌ها تبلیغ و تقویت مسیحیت کاتولیک بود.

در این امر تغییر چندانی پدید نیامده است. تنها تفاوت این است که استعمار، امروز دیگر اقتصادی و یا معنوی صورت نمی‌گیرد، بلکه کوشش می‌شود نفوذ خود را برقرار نگاه دارد و برای این کار به بهانه ترویج و تقویت دموکراسی متوصل می‌شوند. ولی اگر خلقی خواستار دموکراسی باشد، مردمان آن کشور خود به آن خواهند رسید و هیچ لزومی به اعمال قهر وجود ندارد.

اگر بخواهیم درک کنیم، که چه اتفاقی رخ می‌دهد باید بگوئیم، اولاً شوروی هم از افغانستان خارج شد ولی بسیار منظم و برنامه‌ریزی شده.

ثانیاً رژیم‌هایی که پس از خروج نیروهای شوروی بر سر کار بود، سال‌ها بر سر قدرت باقی ماند. اگر شوروی پس از پایان وجود خود کمک‌های خود، حداقل کمک‌های اقتصادی خود را قطع نکرده بود، هیچ‌کس نمی‌داند که وضعیت در افغانستان چگونه ادامه پیدا می‌کرد. شاید نیروهای متخاصم می‌توانستند به توافق برسند.

ولی اکنون امریکائی‌ها چگونه افغانستان را ترک می‌کنند؟ به کمک پل‌های هوایی! نیروهای شوروی منظم از طریق مرز کشور خارج شدند. این چیز دیگری است و در این چارچوب برای اتحاد شوروی بسیار ساده‌تر بود.

آیا این پایان سرکردگی غرب است؟ آیا درک می‌کنید که مسأله کجاست؟ مسأله اینجاست که این آموزه‌ها را، که وجود دارد، باید درست فهمید و باید تغییراتی در سیاست واقع‌گرایانه در نظر گرفت. در مورد افغانستان می‌گویند: «ما وارد افغانستان شدیم و خطاهای متعددی را مرتکب شدیم» ولی در عین حال درست عین همین سیاست در کشورهای دیگر نیز ادامه داده می‌شود. تحریم‌ها چه هست؟ ادامه همان سیاست برای تحمیل استانداردهای خود. مسأله روسیه نیست. مسأله کشورهای دیگر از جمله کشورهای منطقه آسیائی-پاسیفیکی و کشورهای امریکای لاتین و همین‌طور دیگر کشورهای جهان است. اگر نتیجه‌گیری‌های واقعاً مهم گرفته شود، می‌توانیم شاهد تغییرات جهانی در سیاست جهان باشیم. ولی این‌که آیا این پایان سلطه خواهد بود یا خیر در وهله اول بستگی دارد به قدرت اقتصادی کشورهایی که در صحنه بین‌المللی حضور دارند.

وظیفه ما این است که با شرکای خود همکاری کنیم و همان‌طور که نخست‌وزیر هند گفت نیروی خود را مطابق با قواعد «سنگام» متمرکز کنیم تا در تکامل و توسعه کشورهای خود نتایج بهتری به دست آوریم و در آن‌صورت هم اهمیت و صدای روسیه قوی‌تر خواهد شد که نه تنها به نفع خلق روسیه، بلکه به نفع کلیه شرکای ما خواهد بود.

س: بگذارید از شرکای خود بپرسیم. همان‌طور که می‌دانیم رئیس‌جمهور بایدن در سخنرانی خود در این هفته، آن‌چه را که شما گفتید مطرح کرد، بدین معنی که دوران عملیات مسلحانه برای تغییر ملت‌ها به پایان رسیده است. این لب کلام سخنان او بود، با این که معتقدم این درست همان سخنان اوست.

پوتین: اگر خدا بخواهد!

س: آن‌چه که مرا مأیوس کرد. اگر تمام بیانات بایدن را گوش کنیم، درست است که او رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکاست و در وهله اول او خطاب به شهروندان امریکائی سخن گفت، ولی مردم، منتظر پیامی بودند که رئیس‌جمهور کشوری که تمام جریانات در افغانستان را سازماندهی کرده بود، اگر نه به تمام دنیا، حداقل به هم‌پیمانان خود، ارسال می‌کرد. بایدن در سخنرانی خود حتی یک کلمه در مورد نزدیکترین هم‌پیمانان خود، که در افغانستان در تمام این سال‌ها شانه به شانه امریکائی‌های جنگیده بودند، سخن نگفت و همین‌طور نه برای اولین بار در هفته‌های گذشته، شنیده می‌شد که امریکائی‌ها قرار گذاشته بودند که هیچ نوع عملیات تروریستی صورت نخواهد گرفت و هیچ اقدام تروریستی علیه شهروندان امریکا انجام نخواهد شد ولی در مورد دیگران، هر چند که گفته نشد ولی ظاهراً این حکم صادق بود: «دیگران مهم نیستند.»

بلافاصله در مخیله انسان این تصویر ترسیم می‌شود و من مطمئن نیستم که یک تئوری توطئه باشد که در واقع ممکن است که هم این مترجمان بیچاره که ده‌ها سال برای امریکائی‌ها و نیروهای متفق آن کار کرده بودند و همین‌طور حقوق زنان و دختران قربانی شده باشند. هرچه هم که طالبان انجام دهند، آن‌ها علناً گفته اند که زنان و دختران مانند دوران اخیر (حداقل به شکل رسمی) دیگر دارای حقوق برابر نخواهند بود. ولی مسأله بر سر این بود که باید از افغانستان خارج شد تا این جنگ ۲۰ ساله واقعاً پایان پذیرد و بقیه مشکلات بسط و توسعه بازار فروش اسلحه و مواد مخدر و مسأله پناهجویان روی شانه کشورهای همسایه افغانستان خالی شود.

سؤال من در این رابطه متوجه رئیس‌جمهور قزاقستان «توکایف» است. من توقع ندارم که شما آن‌چه را که می‌گویم تأیید و یا رد کنید. من فقط یک خبرنگارم، که دارای هیچ نوع مسؤولیتی نیست. شما یک دولتمردید. ولی شما پی‌آمدهای این عقب‌نشینی سریع امریکائی‌ها از افغانستان را چگونه می‌بینید، امروز و یا شاید بعدها. کسی چه می‌داند؟ - از عراق، فروپاشی سریع دولت، ورود طالبان، آغاز یک درگیری نوین با به اصطلاح داعش، درگیری‌های نوین در پنجشیر؟ این امر برای منطقه چه اهمیتی دارد؟ توقع شما چیست؟

توکایف: طبیعی است که ما در رابطه با مسایل افغانستان به طور جدی نگران بودیم و به موقع دست به اقداماتی زدیم تا شهروندان خود را از افغانستان خارج کنیم، البته سفارتخانه ما که با نمایندگان طالبان در ارتباط بود، در محل ماند و ما توانستیم در مورد امنیت دیپلمات‌ها و کارمندان سفارتخانه به توافق برسیم.

علاوه بر این، به دنبال درخواست ملل متحد به ۲۳۷ کارمند این سازمان بین‌المللی امکان دادیم با دو پرواز به قزاقستان بیایند و در آنجا به کار خود ادامه دهند.

حریم هوایی و فرودگاه‌های قزاقستان برای عبور و بنزین‌گیری هواپیماها عرضه گردید تا افراد، از جمله پرسنل نظامی که در افغانستان در مأموریت بودند، بتوانند کشور را ترک کنند که نیروهای کشور ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو را دربر می‌گرفت.

در مورد مأوا دادن به آوارگان افغان، که برای مدت معینی، حال ۲، ۳ و یا ۶ ماه برای دولت امریکا کار کرده بودند، نتوانستیم تصمیم مثبتی بگیریم، زیرا نکته‌های فراوانی وجود دارد که به حاکمیت قزاقستان مربوط است. افرادی که می‌خواهند به قزاقستان مسافرت کنند، دارای روایید رسمی نیستند. علاوه بر آن، امکانات تدارکاتی راحل مثبتی ارائه نمی‌کند.

آنچه که به عواقب کار مربوط می‌شود می‌خواهم کوتاه بگویم. اولاً، این افغانستان مطمئناً افغانستان گذشته نخواهد بود. در آنجا یک دولت جدید تشکیل شده است و ظاهراً این رژیم مدتی بر سر کار خواهد ماند. آنچه که به مبارزات در پنجشیر مربوط می‌شود، که در این بین از طرف پسر احمدشاه مسعود و رژیم کنونی رهبری می‌شود. هنوز نمی‌توان پایان کار این مبارزات را پیش‌بینی کرد، زیرا طالبان در حال حاضر امتیازات بیشتری دارند. معتقدم، همان‌طور که گفتیم باید رفتار این رژیم را به دقت زیر نظر داشته باشیم.

ما اظهارات صلح‌آمیز آن‌ها را می‌شنویم و این‌طور می‌فهمیم که رهبران طالبان می‌گویند، می‌خواهیم روابط دوستانه با کلیه کشورها داشته باشیم. ظاهراً منظور کشورهای آسیای مرکزی هم هست. به هر حال بار دیگر این فرضیه اولیه را مطرح می‌کنم که ما، کشورهای آسیای مرکزی، به ویژه آن‌هائی که عضو قرارداد امنیت جمعی هستند، باید متحد بمانند، زیرا روند تکاملی غیرقابل پیش‌بینی است.

فکر می‌کنم که در آینده نزدیک بخش بزرگی از افغان‌ها وجود خواهند داشت که از مرزها عبور خواهند کرد و می‌خواهند به دلایل امنیتی خارج از مرزهای افغانستان سکنی گزینند و این امر یک مشکل جدی و یک معضل عظیم برای کشورهای مربوطه خواهد بود.

آنچه که به ایالات متحده امریکا مربوط می‌شود، به هیچ‌وجه از شکست آن‌ها خوشحال نیستیم. در واقع بین شکل و شیوه‌ای که اتحاد شوروی نیروهای خود را از افغانستان خارج کرد و وضعیت کنونی تفاوت عظیمی وجود دارد. ولی این دیگر گذشته است. اکنون باید مشترکاً ببیندیشیم که چگونه باید با افغانستان رفتار کرد.

افغانستان به طور سنتی بازار خوبی برای محصولات قزاقستان به ویژه گندم و نان بود. آن‌ها همیشه به موقع پرداخت کردند. ما با رئیس‌جمهور غنی قرار گذاشته بودیم که یک هیأت بزرگ اقتصادی به کشورهای یک دیگر اعزام داریم و قراردادهای لازم را به امضاء رسانیم، که همکاری در تجارت و اقتصاد را مثلون سازیم، ولی متأسفانه کار به آنجا نرسید. ولی انسان‌ها حتی آن‌هائی که زیر سلطه طالبانند با این وجود به نان نیاز دارند. آن‌ها علاقه مند اند که فرآورده‌های ضروری را دریافت کنند، همین‌طور از قزاقستان. این یک فاکتور بسیار مهم است که طبیعتاً برخورد ما با این رژیم را تعیین خواهد کرد.

من از برخی کسان در امریکا شنیدم که می‌گویند، برای امریکائی‌ها بی‌تفاوت است که چه اتفاقی در آن سوی اقیانوس خارج از ایالات متحده رخ می‌دهد. زندگی در امریکا به روال معمول خود را ادامه خواهد داد. من با این نظر موافق نیستم. به هر حال مطمئناً تأثیراتی بر سیاست‌های امریکا و سیاست‌های خارجی ایالات متحده امریکا خواهد داشت، زیرا

افغانستان را باید بسیار جدی گرفت که طبیعتاً تبعات غیرمستقیم و سنگینی برای سیاست، همین‌طور سیاست‌های ایالات متحده نیز خواهد داشت.

البته من نمی‌توانم پیش‌بینی کنم که روند تکاملی در واشنگتن و کاخ سفید چگونه خواهد بود. این چیزی نیست که ما در موردش صحبت می‌کنیم ولی در هر صورت پیامدهائی خواهد داشت و به نظر من این پیامدها بسیار جدی هستند.

تارنگاشت عدالت

پنجشنبه، ۱۸ شهریور [سنبله] ۱۴۰۰

برگرفته از: لینکه تسایتونگ

منتشر شده در تاریخ: ۷ سپتمبر ۲۰۲۱